

تحلیل جامعه‌شناختی دموکراتیزاسیون در ایران

محمد عبداللهی، علی ساعی

مسئله مورد تبیین در این مقاله تفاوت‌پذیری میزان تغییرات دموکراتیزاسیون در ایران است. براساس این مسئله، سؤال تحقیق تحت عنوان «میزان تغییرات دموکراتیزاسیون در ایران چه‌گونه قابل تبیین است؟» بیان شده است. در پاسخ به این سؤال و در مقام حل مسئله، چارچوب نظری تحقیق با ساختار مفهومی زیر بیان گردیده است: اگر مدرنیزاسیون رخ دهد، آن‌گاه با شرط وجود جامعه مدنی توسعه‌یافته دموکراتیزاسیون رخ می‌دهد. در گام بعدی راه‌حل تئوریک مسئله از این چارچوب نظری استنتاج گردیده، در ادامه فرضیات از طریق تجربه مورد داوری قرار گرفته‌اند. روش گردآوری داده‌های تجربی روش تاریخی (رجوع به اسناد دست اول) بوده، برای داوری تجربی در باب فرضیات، از روش تحلیل رگرسیون استفاده کرده‌ایم. یافته‌های تجربی بیانگر این واقعیت است که ضریب همبستگی دموکراتیزاسیون با مدرنیزاسیون برابر با ۰/۷۲ و با توسعه جامعه مدنی ۰/۵۲ است. از سوی دیگر همبستگی دموکراتیزاسیون با ترکیب خطی متغیرهای مدرنیزاسیون و توسعه جامعه مدنی به اندازه ۰/۷۱ می‌باشد.

مفاهیم کلیدی: دموکراتیزاسیون، مشارکت انتخاباتی، رقابت انتخاباتی، مدرنیزاسیون و جامعه مدنی.

مقدمه

موضوع این مقاله واقعه دموکراتیزاسیون^۱ در ایران است. منظور از دموکراتیزاسیون فرایند تغییرات سیاسی در جهت دموکراتیک‌سازی رژیم اقتدارگراست. این فرایند از سه مرحله گذر

1. Democratization

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳، ۱۳۸۴، ص. ۲۷-۳

می‌کند: شکست رژیم اقتدارگرا^۱، گذار دموکراتیک^۲ و تحکیم دموکراتیک^۳. مرحله اول، متضمن فروپاشی ساختارهای رژیم اقتدارگراست. مرحله دوم، تغییر^۴ و حرکت از ساختارها و فرایندهای اقتدارگرا به ساختارها و فرایندهای جدید است. مرحله سوم، زمانی رخ می‌دهد که این ساختارها و فرایندهای جدید نهادینه شوند؛ یعنی، گروه‌های مهم جامعه نهادهای سیاسی مستقر را پذیرفته، از قواعد بازی دموکراتیک تبعیت کنند. مردم بیاموزند که دموکراسی روشی برای اجتناب از جباریت و دفع استبداد بدون خشونت و خون‌ریزی است. بدین ترتیب استقرار نظام دموکراتیک در مرحله سوم دموکراتیزاسیون رخ می‌دهد.

واقعه دموکراتیزاسیون یکی از مسایل اساسی مورد توجه در ایران بوده است. ایرانیان در طی یک قرن اخیر همواره طالب ارزش‌های سیاسی جدید مثل آزادی، مشارکت سیاسی، برابری مدنی، محدودسازی اختیارات حاکمان به قواعد اساسی بوده‌اند. مردم ایران این ارزش‌ها را بر حسب شرایط ساختاری و زمینه‌های اجتماعی خاص در قالب چهار واقعه دموکراتیک در عرصه زندگی سیاسی بازتولید کرده‌اند. اولین واقعه دموکراتیک در ایران انقلاب مشروطیت است. این واقعه بار دوم در قالب نهضت دموکراتیک ملی تکرار شده است. سومین واقعه دموکراتیک در سال ۱۳۵۷ در قالب جمهوری خواهی رخ داده است. چهارمین واقعه دموکراتیک واقعه دوم خرداد می‌باشد.

واقعه دموکراتیک ملی و واقعه دوم خرداد هر دو دنباله وقایع قبل از خود (انقلاب مشروطیت و انقلاب ۱۳۵۷) و واکنشی علیه گرایش‌های غیردموکراتیک بودند. در این دو واقعه هدف بازسازی آرمان‌های وقایع پیشین بوده است. این چهار واقعه را می‌توان به عنوان تلاش‌هایی در جهت دموکراتیزاسیون تعبیر نمود.

مدعای این مقاله این است که مرحله اول و دوم دموکراتیزاسیون در ایران در قالب واقعه مشروطه خواهی و جمهوری خواهی محقق شده است. اما این واقعه در مرحله سوم؛ یعنی تحکیم دموکراتیک (نهادینه شدن دموکراسی)، با مشکل روبه‌رو شده است. به طوری که می‌توان گفت در دوره‌هایی از تاریخ شاهد بازگشت یا بازتولید عناصری از اقتدارگرایی هستیم. این ادعا در دو واقعه دموکراتیک ملی و دوم خرداد ۱۳۷۶ (که به منظور تحقق مرحله سوم دموکراتیزاسیون رخ داده‌اند) نیز صادق است.^۵

1. Regime breakdown or the breakdown of authoritarian rule
2. Democratic transition
3. Democratic consolidation
4. Changing

۵. شواهد این ادعا بر حسب چهار واقعه دموکراتیک در اصل تحقیق ارائه شده است.

در نتیجه، تلاش ایرانیان در دستیابی به نظام سیاسی مبتنی بر ساختارهای دموکراتیک نه تنها با موفقیت کامل همراه نبوده است، بلکه به تدریج تمرکز قدرت در قالب قانون اساسی بیان شده است. در ایران مرحله تحکیم دموکراتیک تحقق پیدا نکرده است. بنابراین دموکراسی هنوز صفت نظام سیاسی ایران نشده، در روند دموکراتیزاسیون قرار داریم. از سوی دیگر میزان تغییرات دموکراتیزاسیون (مرحله سوم) برحسب دوره‌های انتخاباتی متفاوت است. در این جا به منظور تأیید این ادعا شواهد تجربی زیر ارائه گردیده و تکمیل آن به سطح تجربی این تحقیق موکول می‌شود.

جدول شماره ۱. شاخص‌های آماری دموکراتیزاسیون

۳۸/۵۰	میانگین
۱۲/۰۸	انحراف استاندارد
۴۵/۳۸	دامنه تغییرات

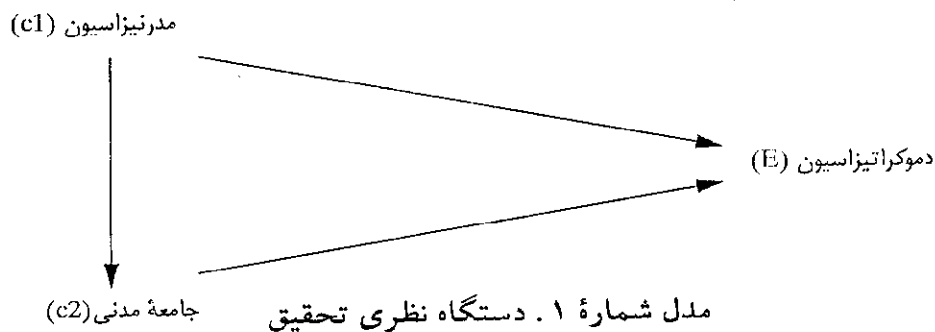
براساس این شواهد، میانگین دموکراتیزاسیون در ایران در یک قرن اخیر برابر ۳۸/۵۰ است. انحراف استاندارد دموکراتیزاسیون معادل ۱۲/۰۸ و دامنه تغییرات آن به اندازه ۴۵/۳۸ می‌باشد. این شواهد دلالت بر تفاوت‌پذیری و پرابلماتیک بودن واقعه دموکراتیزاسیون در ایران دارد. بدین ترتیب مدعای تبیینی یا مسئله این مقاله، میزان تغییرات^۱ دموکراتیزاسیون است. براساس این مدعای تبیینی پرسش اساسی تحقیق را می‌توان چنین مطرح کرد: میزان تغییرات دموکراتیزاسیون در ایران چگونه قابل تبیین است؟

هدف اصلی تحقیق توصیف و تبیین میزان دموکراتیزاسیون در ایران و ارائه راه حل است. در جامعه امروزی ایران تحقیق درباره مسئله دموکراسی از ضرورت و اهمیت علمی و اجتماعی خاصی برخوردار است. مردم ایران در طول یک قرن اخیر هزینه‌های زیادی را برای دستیابی به نظام سیاسی دموکراتیک پرداخت کرده‌اند. اما راه‌هایی را که نخبگان سیاسی در گذار به دموکراسی تجربه کرده‌اند نه تنها منجر به نهادینه شدن رژیم دموکراتیک نشده، بلکه شکل جدیدی از اقتدارگرایی بازتولید گردیده است. استقرار رژیم دموکراتیک نیازمند زمینه‌های اجتماعی مناسب است. مطالعه علمی این زمینه‌ها می‌تواند در تحکیم دموکراسی کارساز باشد. علاوه بر آن، آزمون تجربی راه‌حل‌های تئوریک مسئله انجام دادن این تحقیق را از لحاظ علمی توجیه‌پذیر می‌سازد.

1. Variation

چارچوب نظری

برای دستیابی به چارچوب نظری مناسب، نخست نظریه‌های دموکراتیزاسیون در نزد صاحب‌نظرانی چون بارینگتون مور، هانتینگتون، گرام گیل، ونهانن، لیپست، بشیریه، دایاموند و سایرین مورد بررسی و نقد قرار گرفته‌اند (برای مطالعه بیشتر بنگرید به ساعی، ۱۳۸۴). در نظریه بارینگتون مور، دموکراتیزاسیون تابعی از نوع الگوی روابط^۱ ساختاری میان دولت و طبقات اجتماعی است. براساس این نظریه، دموکراتیزاسیون در شرایطی رخ می‌دهد که در آن طبقات اجتماعی مستقل از دولت و قدرت دولتی ضعیف (فاقد دربار استبدادی و خودکامه، فاقد دیوان‌سالاری گسترده است) و انگیزه بورژوازی در میان طبقه بورژوا قوی باشد (مور، ۱۳۶۹؛ پاتر و همکاران، ۱۹۹۷). در نظریه هانتینگتون، توسعه اقتصادی از طریق افزایش سطح سواد و تغییر در ساختار اجتماعی (گسترش طبقه متوسط) منجر به دموکراتیزاسیون می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۷۳). براساس نظریه گرام گیل توسعه صنعتی از طریق ایجاد جامعه مدنی منجر به دموکراتیزاسیون می‌شود. در نظریه ونهانن، دموکراتیزاسیون تابعی از توزیع منابع قدرت اقتصادی و فرهنگی در میان گروه‌های اجتماعی است (ونهانن، ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۲؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۳). در نظریه لیپست، سطح دموکراتیزاسیون تابع سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهاست (۱۹۹۴). براساس تئوری بشیریه، موانع دموکراتیزاسیون را باید در فرهنگ سیاسی پاتریمونیالیسم و تمرکز منابع قدرت جست و جو کرد (بشیریه، ۱۳۸۰). در نظریه دایاموند، توسعه اقتصادی - اجتماعی از طریق ایجاد فرهنگ دموکراتیک منجر به دموکراتیزاسیون می‌شود (دایاموند، ۲۰۰۳، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴). این نظریه‌ها در اصل تحقیق مورد بررسی انتقادی قرار گرفته‌اند؛ پس از آن، براساس نتایج استدلال انتقادی و منطقی، دستگاه نظری^۲ متناسب با مسئله تحقیق ساخته شده است. این دستگاه نظری تلفیقی از مفاهیم اساسی نظریه‌های مورد نظر می‌باشد که ساختار منطقی آن در مدل شماره (۱) ارائه شده است:



1. Relationships

2. Theoretical apparatus

در چارچوب نظری این مقاله، شرط لازم برای دموکراتیزاسیون وقوع واقعه مدرنیزاسیون و شرط کافی آن جامعه مدنی توسعه یافته است. فرضیات مقاله براساس چارچوب نظری، که بنیان نظری تحقیق محسوب می‌شود استنتاج شده است. فرآیند فرضیه‌سازی بر اساس اصول روش‌شناختی زیر صورت گرفته است:

۱. فرضیه به عنوان راه حل تئوریک مسئله و پاسخ نظری به سؤال علمی از چارچوب نظری استنتاج شده است ۲. در استنتاج فرضیات از منطق تبیین قیاسی - قانونی استفاده شده است^۱
 ۳. علیت را به معنای هم‌تغییری منظم^۲ در نظر گرفته‌ایم ۴. در فرضیه‌سازی از منطق ابطال‌پذیری تبعیت شده است.

فرضیه اول

میزان تغییرات دموکراتیزاسیون در ایران با تغییرات مدرنیزاسیون همراه است؛ به گونه‌ای که، هرچه میزان مدرنیزاسیون بیشتر باشد، میزان دموکراتیزاسیون نیز بیشتر می‌شود.

فرضیه دوم

میزان تغییرات دموکراتیزاسیون در ایران با تغییرات میزان توسعه جامعه مدنی همراه است؛ به گونه‌ای که، هرچه میزان توسعه جامعه مدنی بیشتر باشد میزان دموکراتیزاسیون نیز بیشتر می‌شود.

فرضیه ترکیبی

مدرنیزاسیون تحت شرایط وجود جامعه مدنی توسعه یافته با دموکراتیزاسیون هم‌تغییری دارد؛ به گونه‌ای که، هرگاه مدرنیزاسیون با جامعه مدنی توسعه یافته همراه باشد میزان دموکراتیزاسیون نیز بیشتر می‌شود.

۱. بر طبق این قاعده، واقعه دموکراتیزاسیون در ایران (e) و علت‌های آن (c) به عنوان وقایع خاص (particular events) نمونه یا حوادثی از نوع F و C، یعنی وقایع کلی (Universal events) موجود در قانون کلی، تلقی می‌شوند. آنگاه بر مبنای نظم قیاسی (Deductive Regularity) از طریق قانون علمی آن واقعه تبیین می‌شود. استنتاج پاسخ نظری را از تئوری فرضیه‌سازی به شیوه قیاسی می‌نامند.
 2. Regularitative covariation

روش‌شناسی

عملیاتی کردن مفاهیم

تعریف عملیاتی مفاهیم گذر از سطح نظری به سطح تجربی را امکان‌پذیر می‌سازد. در سطح نظری، مفاهیم فرضیات مفاهیم انتزاعی^۱ هستند. تطبیق این مفاهیم با واقعیت نیازمند تعریف و تبدیل آن‌ها به سنج‌های قابل مشاهده^۲ است. براساس این قاعده مفاهیم مورد استفاده در فرضیات را تعریف کرده‌ایم.

دموکراتیزاسیون

براساس ادبیات نظری این مقاله دموکراتیزاسیون، فرایند تغییرات سیاسی در جهت دموکراتیک‌سازی رژیم اقتدارگراست. این فرایند از سه مرحله زیرگذر می‌کند:

۱. شکست رژیم اقتدارگرا ۲. گذار دموکراتیک ۳. تحکیم دموکراتیک
مرحله اول، متضمن فروپاشی ساختارهای رژیم اقتدارگرا و مرحله دوم، تغییر و حرکت از ساختارهای اقتدارگرا به ساختارهای جدید است. مرحله سوم، زمانی رخ می‌دهد که ساختارهای جدید نهادینه شده، نظام سیاسی دموکراتیک استقرار یابد.
در باب مفهوم نظام سیاسی دموکراتیک باید گفت این نظام سیاسی از نظر قلمرو معنایی حکومتی است که داور آن مردم (حکمیت ملت) در روز انتخابات است. این نوع حکومت^۳ بدون خون‌ریزی قابل تغییر است (پوپر: ۱۹۹۹). رهبران به وسیله مردم از طریق انتخابات علنی، آزاد، رقابت‌آمیز و منصفانه^۴ انتخاب می‌شوند. آزادی‌های مدنی و سیاسی افراد به رسمیت شناخته می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۸۳؛ ونهانن، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲، ۲۰۰۳؛ اوکن^۵، ۲۰۰۴ و جان اریک لن و ارسون، ۲۰۰۳).

برای مفهوم دموکراتیزاسیون دو بعد در نظر گرفته‌ایم^۶:

1. Abstract concepts
3. government
5. O'kane

2. Observable measures
4. Fairness

۶. مشارکت و رقابت انتخاباتی معیارهای دموکراسی حداقلی می‌باشند. این نوع دموکراسی در عرصه

←

۱. مشارکت انتخاباتی^۱ ۲. رقابت انتخاباتی^۲

میزان مشارکت انتخاباتی از طریق محاسبه نسبت افراد شرکت‌کننده در انتخابات به جمعیت واجد شرایط ضرب در عدد ۱۰۰ حاصل شده است. بعد رقابت انتخاباتی نیز حاصل کسر عدد ۱۰۰ از درصد آرای فرد منتخب/منتخبان است. سپس این دو بعد را ترکیب کرده، از طریق محاسبه میانگین حسابی میزان رقابت انتخاباتی و میزان مشارکت انتخاباتی شاخص دموکراتیزاسیون^۳ ساخته شده است.

مدرنیزاسیون

از حیث درک تئوریک، مدرنیزاسیون فرایندی است که طی آن جامعه تغییرات ساختاری را از طریق توسعه اقتصادی-اجتماعی تجربه می‌کند. ما در این تحقیق تغییرات ساختاری مورد نظر را در دو بعد: ۱. توسعه اقتصادی ۲. توسعه آموزشی بررسی کرده‌ایم:

بعد توسعه اقتصادی از طریق معرف‌های تجربی زیر اندازه‌گیری شده است:

۱. میزان سرمایه‌گذاری صنعتی ۲. میزان تولید ناخالص ملی ۳. شهری شدن ۴. نیروی کار صنعتی. در سنجش بعد توسعه آموزشی از سنجش‌های^۴ میزان باسوادی و میزان قشرهای اجتماعی جدید استفاده کرده‌ایم. در این مطالعه معرف‌های تجربی قشرهای اجتماعی، تعداد دانشجویان، تعداد استادان، تعداد معلمان و تعداد دانش‌آموزان می‌باشند.

شاخص مدرنیزاسیون^۵ از طریق محاسبه میانگین حسابی میزان توسعه اقتصادی و میزان توسعه آموزشی ساخته شده است.

جامعه مدنی

در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی سه حوزه را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد:

۱. حوزه خصوصی ۲. حوزه عمومی ۳. حوزه دولتی.

→ سیاست و قدرت نمودار می‌شود. در مقابل آن دموکراسی حداکثری قرار دارد. دموکراسی حداکثری مفهومی فرهنگی و اجتماعی اقتصادی است و متضمن حفظ آزادی‌های مدنی و اجتماعی است (نقل از بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۲).

- | | |
|-----------------------------|--------------------------|
| 1. Electoral participation | 2. Electoral Competition |
| 3. Index of Democratization | 4. Measures |
| 5. Index of Modernization | |

جامعه مدنی به معنای کلی به حوزه عمومی تعلق دارد. جامعه مدنی عرصه عمومی مستقل از دولت و مجموعه‌ای از نهادها و تشکلهای خصوصی است. احزاب سیاسی، انجمن‌های داوطلبانه (اتحادیه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای، انجمن‌های علمی و انجمن‌های دینی) مصادیقی از جامعه مدنی هستند (چلبی، ۱۳۷۶؛ گرام گیل، ۲۰۰۰).

در این تحقیق، به دلیل مشکلات عملی، تنها احزاب را انتخاب کرده، آن را معرف تجربی جامعه مدنی قرار داده‌ایم. احزاب به صورت کمی اندازه‌گیری شده است.

در سنجش توسعه احزاب از سنجه‌های زیر استفاده کرده‌ایم:

۱. تعداد کل احزاب فعال در هر دوره ۲. میانگین کل عمر احزاب.

شاخص جامعه مدنی توسعه یافته از طریق فرمول زیر ساخته شده است:

۲ / (نمره استاندارد تعداد احزاب فعال در هر دوره) + (نمره استاندارد تعداد سال‌های عمر احزاب در هر دوره) = شاخص جامعه مدنی

اعتبار^۱

منظور ما از اعتبار میزان دقت و صحت معرف‌های تجربی تعریف شده برای سنجش مفاهیم است. برای تعیین معرف‌ها به شیوه‌های زیر عمل شده است:

۱. استفاده از سنجه‌های پژوهش‌های پیشین و رجوع به متن‌های علمی؛ از قبیل، تحقیقات

ونهانن، لیپست، هانتینگتون، دایاموند، چلبی و گرام گیل.

۲. رجوع به اجتماع علمی. داوری اجتماع علمی در تعیین نوع و تعداد معرف‌ها بسیار مهم

است. در این تحقیق به کسانی چون عبدالهی، حاضری و فرقانی رجوع شده است.

برای تعیین اعتبار معرف‌های تجربی این تحقیق از تکنیک تحلیل عامل استفاده شده است.

بار عاملی معرف‌ها بسیار رضایت‌بخش می‌باشد (ر.ک، به: اصل تحقیق)

جدول شماره ۲. تحلیل عاملی معرف‌های تجربی برحسب بار عاملی

معرف‌ها	مدرتیزاسیون	معرف‌ها	جامعه مدنی
تولید ناخالص ملی	۰/۹۵۱	عمر احزاب در هر دوره	۰/۹۹۰
شهری شدن	۰/۹۷۵	تعداد احزاب فعال در هر دوره	۰/۹۹۰
نیروی کار صنعتی	۰/۹۶۰	معرف‌ها	دموکراتیزاسیون
سرمایه‌گذاری صنعتی	۰/۷۹۵	رقابت انتخاباتی	۰/۷۲۵
باسواد	۰/۹۸۶	مشارکت انتخاباتی	۰/۷۲۵
قشرهای اجتماعی جدید	۰/۹۸۹		

1. Validity

نتیجه تحلیل عامل دلالت بر آن دارد که از معرف‌های تجربی هر مفهوم تنها یک عامل استخراج شده است. از سوی دیگر، با روش دوران واریماکس^۱ بار عاملی همه معرف‌ها بسیار رضایت‌بخش می‌باشند. بنابراین می‌توان به اعتبار معرف‌های تجربی این تحقیق اعتماد کرد.

پایایی^۲

در باب پایایی این تحقیق باید گفت شواهد تجربی از اسناد دست اول موجود که در انتهای مقاله اشاره شده است را استخراج کرده‌ایم. شاید بتوان گفت اگر دیگران نیز به همین منابع رجوع کنند و از طریق روش‌های تحلیل این مقاله به آزمون تجربی فرضیات پردازند به همان نتایج می‌رسند که در تحقیق حاضر به دست آمده است.

واحدهای تحلیل

در این تحقیق سه نوع واحد تحلیل داریم:

۱. کشور (ایران) ۲. دوره‌های تاریخی ۳. دوره‌های انتخاباتی پارلمان/ریاست جمهوری.

جدول شماره ۳. دوره‌های تاریخی

از ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۴	دوره اول مشروطیت
از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰	دوره دوم مشروطیت
از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲	دوره سوم مشروطیت
از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷	دوره چهارم مشروطیت
از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶	دوره اول جمهوری اسلامی
از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲	دوره دوم جمهوری اسلامی

دوره‌های انتخاباتی

$N1 = 31$ معادل تعداد انتخابات مجلس (از مجلس اول دوره مشروطیت تا مجلس هفتم دوره بعد از انقلاب اسلامی)، $N2 = 8$ معادل تعداد انتخابات ریاست جمهوری، $N = 39$ معادل کل انتخابات.

1. Varimax Rotation

2. Reliability

واحد‌های مشاهده

اسناد دست اول موجود در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی و کتاب‌های معتبر تاریخی.

روش گردآوری

روش گردآوری شواهد تجربی روش تاریخی (اسنادی) است. داده‌های تجربی از منابع زیر استخراج شده‌اند:

داده‌های تجربی دموکراتیزاسیون: رجوع به اسناد دست اول موجود در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی و وزارت کشور. اسناد دوره اول تا دوره بیست و چهارم انتخابات (از دوره اول مشروطیت تا آخرین انتخابات دوره محمدرضا شاه). این اسناد در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می‌باشد.

داده‌های تجربی مدرنیزاسیون: آمار آموزش عالی ایران در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی (۲۵۳۵)، آمار آموزش و پرورش ایران (۱/۳۴۳)، (۱۳۴۶)، (۱۳۴۸)، (۱۳۷۳)، (۱۳۸۲)، (۱۳۸۳)؛ آمار آموزش عالی (۱۳۵۴)، (۵۷-۱۳۵۶)، (۱۳۷۰)، (۱۳۷۵)؛ آمار عملکرد ۲۰ ساله آموزش عالی ایران (۱۳۷۷)؛ آمار آموزش عالی ایران (۱۳۸۲)؛ (۱۳۸۳)؛ احصایه مدارس و مکاتب ۱۳۰۵، احصایه معارف و مدارس ۱۳۰۴-۱۳۰۵ و ۱۳۰۶-۱۳۰۸، ۱۳۰۹-۱۳۰۷، ۱۳۰۸-۱۳۱۰، ۱۳۰۹-۱۳۱۰؛ باری یسر، ج، (۱۳۶۳)؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی (۱۳۸۱)؛ ایران در آینه آمار (۱۳۶۰)؛ خزانه، و سادات دربندی (۱۳۵۲)؛ خلیلی خو (۱۳۷۳)؛ رزاقی (۱۳۶۷)؛ سالنامه احصایه (۱۳۰۴)؛ سالنامه و آمار ۱۳۱۱-۱۳۱۲، ۱۳۱۲-۱۳۱۳، ۱۳۱۳-۱۳۱۴، ۱۳۱۴-۱۳۱۵، ۱۳۱۵-۱۳۱۶، ۱۳۱۶-۱۳۱۷، ۱۳۱۷-۱۳۱۸، ۱۳۱۸-۱۳۱۹، ۱۳۱۹-۱۳۲۰، ۱۳۲۰-۱۳۲۱، ۱۳۲۱-۱۳۲۲، ۱۳۲۲-۱۳۲۳، ۱۳۲۳-۱۳۲۴، ۱۳۲۴-۱۳۲۵، ۱۳۲۵-۱۳۲۶، ۱۳۲۶-۱۳۲۷؛ سالنامه‌های آماری ۱۳۴۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۸، ۱۳۶۲، ۱۳۶۵، ۱۳۷۱، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۵، ۱۳۷۸، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲؛ سیمای سازندگی (۱۳۷۶)؛ بیان آماری تحولات اجتماعی و اقتصادی (۱۳۵۵)؛ گزیده آماری (۱۳۷۷).

داده‌های تجربی احزاب: بهار، ج ۱، ۱۳۸۰؛ بهار ج ۲، ۱۳۶۳؛ تربتی سنجابی، ۱۳۷۵؛ اتحادیه، ۱۳۶۱؛ نودری، ۱۳۸۰؛ ناظری، ۱۳۸۲؛ آبراهامیان، ۱۳۷۹؛ طیرانی، ۱۳۷۶؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵؛ صارمی شهاب، ۱۳۷۸؛ مقصودی، ۱۳۸۰؛ مشخصات احزاب و تشکل‌های سیاسی؛ وزارت کشور؛ اداره کل سیاسی وزارت کشور.

روش تحلیل

روش تحلیل تجربی ما در این مقاله تحلیل تاریخی - کمی است. فرضیات تحقیق از طریق تکنیک رگرسیون مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحقیق

در این مقاله تحلیل را در دو سطح انجام داده‌ایم: ۱. توصیف ۲. تبیین در سطح توصیف، چگونگی توزیع داده‌های تجربی متغیرهای دموکراتیزاسیون، مدرنیزاسیون و توسعه جامعه مدنی توصیف شده است. در سطح تبیین گزاره‌های فرضیات از طریق گزاره‌های مشاهده‌ای، در پرتو استدلال تجربی مورد آزمون واقع شده‌اند.

توصیف داده‌ها

دموکراتیزاسیون

بر اساس جدول شماره (۳) مفهوم دموکراتیزاسیون از طریق میزان رقابت انتخاباتی، میزان مشارکت انتخاباتی و شاخص دموکراتیزاسیون اندازه‌گیری شده است.

جدول شماره ۴. داده‌های تجربی دموکراتیزاسیون برحسب دوره‌های تاریخی

شاخص‌های آماری	مشارکت انتخاباتی	رقابت انتخاباتی	دموکراتیزاسیون
دوره اول مشروطیت	۱۹,۰۶۴۹	۵۱,۷۵۰۰	۳۵,۴۰۷۴
دوره دوم مشروطیت	۴۵,۲۶۹۵	۱۷,۴۷۱۴	۳۱,۳۷۰۵
دوره سوم مشروطیت	۴۴,۰۳۹۶	۲۶,۷۲۰۰	۲۵,۳۷۹۸
دوره چهارم مشروطیت	۳۶,۶۴۸۱	۱۹,۶۷۱۴	۲۸,۱۵۹۸
دوره اول جمهوری اسلامی	۶۱,۲۲۲۴	۳۱,۱۳۴۵	۴۶,۱۷۸۵
دوره دوم جمهوری اسلامی	۶۶,۳۱۴۷	۴۳,۷۶۰۰	۵۵,۳۷۳
میانگین کل	۴۷,۵۹۴۴	۲۹,۴۲۴۲	۳۸,۵۰۹۳

شواهد نشان می‌دهد که دوره اول مشروطیت در مقایسه با دیگر دوره‌ها دارای حداقل مشارکت انتخاباتی و حداکثر رقابت انتخاباتی بوده است. در این دوره، متوسط مشارکت انتخاباتی برابر با ۱۹/۰۶ و متوسط رقابت انتخاباتی برابر با ۵۱/۷۵ است.

بیشترین میزان مشارکت انتخاباتی با ۶۶/۳۱ مربوط به دوره دوم جمهوری اسلامی است. میزان رقابت در این دوره برابر با ۴۳/۷۶ است. این میزان اگرچه نسبت به دوره اول مشروطیت ۷/۹۹ واحد کمتر است، اما نسبت به دوره‌های دوم تا چهارم مشروطیت و دوره اول جمهوری اسلامی بیشتر می‌باشد. دامنه تغییر رقابت بین ۱۷/۴۷ در دوره دوم مشروطیت تا ۴۳/۷۶ در دوره دوم جمهوری اسلامی متغیر است. در دوره‌های مشروطیت بالاترین میزان دموکراتیزاسیون با ۳۵/۴۰ مربوط به دوره اول بوده، کمترین آن با ۲۸/۱۵ در دوره چهارم مشروطیت قرار دارد. دوره دوم جمهوری اسلامی در مقایسه با کل دوره‌ها با ۵۵/۰۴ دارای بیشترین میزان دموکراتیزاسیون است.

حال اگر همه واحدهای تحلیل مربوط به دوره‌های انتخاباتی را محاسبه کرده و میانگین دموکراتیزاسیون را صفت ایران بگیریم، در این صورت شواهد دلالت بر آن دارد که میانگین دموکراتیزاسیون در ایران در یک قرن اخیر برابر ۳۸/۵۰ و انحراف استاندارد آن معادل ۱۲/۰۸ است. حداقل دموکراتیزاسیون ۱۹/۲۵ (پارلمان بیستم) و حداکثر آن ۶۴/۶۳ (پارلمان ششم بعد از انقلاب ۱۳۵۷) می‌باشد.

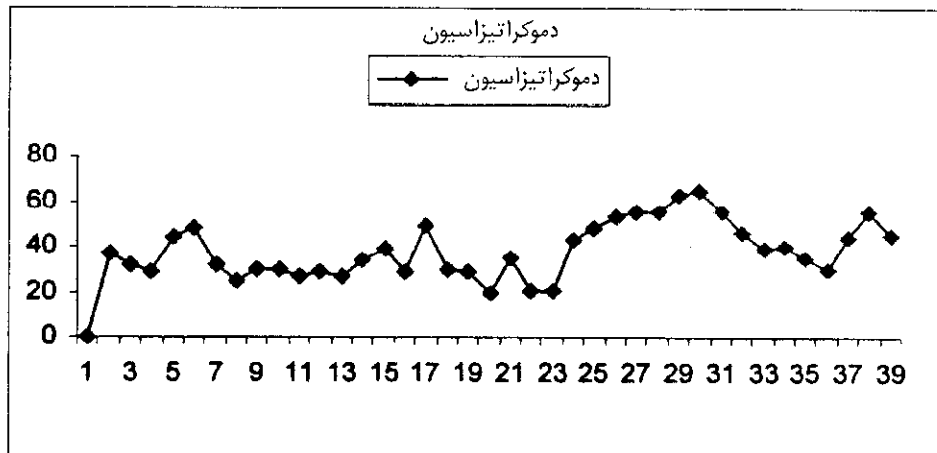
میزان مشارکت انتخاباتی و رقابت انتخاباتی نیز به شرح جدول شماره (۴) بوده است:

جدول شماره ۵. داده‌های تجربی دموکراتیزاسیون برحسب کل دوره‌های انتخاباتی

شاخص‌های آماری	دموکراتیزاسیون	رقابت انتخاباتی	مشارکت انتخاباتی
میانگین	۳۸/۵۰	۲۹/۴۲	۴۷/۶
انحراف استاندارد	۱۲/۰۸	۱۷/۹۵	۱۷/۱۱
حداقل	۱۹/۲۵	۵/۴۸	۷/۵۱
حداکثر	۶۴/۶۳	۶۷/۳۰	۷۹/۹۲

حداقل رقابت در دوره پنجم ریاست جمهوری و حداکثر آن در پارلمان دوم مشروطیت رخ داده است. در باب مشارکت انتخاباتی می‌توان گفت حداقل آن در پارلمان دوم مشروطیت و حداکثر مشارکت مربوط به دوره هفتم ریاست جمهوری می‌باشد. این شواهد دلالت بر تفاوت‌پذیری و پیرایلماتیک بودن واقعه دموکراتیزاسیون در ایران دارد. نمودار شماره (۱) توزیع دموکراتیزاسیون را بر حسب کل دوره‌های انتخاباتی به صورت دقیق‌تر نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱. روند دموکراتیزاسیون در ایران



در این نمودار محور عمودی به میزان دموکراتیزاسیون برحسب درصد و محور افقی به دوره‌های انتخاباتی اختصاص داده شده است. در محور افقی از کد ۱ تا ۲۴ پارلمان‌های قبل از انقلاب ۱۳۵۷، از کد ۲۵ تا ۳۱ پارلمان‌های بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و از کد ۳۰ تا ۳۹ دوره‌های ریاست جمهوری قرار دارند.

در پارلمان اول دوره مشروطیت آمارهای مربوط به دموکراتیزاسیون موجود نبوده و نقطه آغازین منحنی صفر شده است. دلیل آن این بوده است که پارلمان اول طبقاتی و از قشرهای زیر تشکیل شده بود:

۱. شاهزادگان. ۲. اعیان، اشراف ملاکین. ۳. علما و طلاب. ۴. اصناف. ۵. تجار. ۶. فلاحین

مدرنیزاسیون

در این تحقیق مدرنیزاسیون در دو بعد ۱. توسعه اقتصادی. ۲. توسعه آموزشی بررسی شده است. در جدول شماره (۵) داده‌های تجربی این دو بعد را در صد سال اخیر ایران مطالعه می‌کنیم. در سطح تحلیل کل متوسط تولید ناخالص ملی ۲۲۵۱۲۷,۵۷۰۰ میلیارد ریال می‌باشد که متوسط درصد سهم صنعت در آن معادل ۱۴,۶۸۶۴ است. متوسط سرمایه‌گذاری صنعتی ۲۳,۹۴۳۸ و درآمد سرانه برابر ۴۰۲۴,۸۷۰۰ (به هزار ریال) می‌باشد. میانگین نیروی کار صنعتی درصد ساله ایران معادل ۱۰,۱۷۹۳ است. متوسط شهرنشینی در هر ۱۰۰۰ نفر برابر با ۴۱۲,۹۹۵۵ است. حداقل و حداکثر مقادیر هر یک از متغیرهای اقتصادی به همراه شاخص‌های انحراف استاندارد آن‌ها در جدول ارائه شده است. این شاخص‌ها می‌توانند فهم میانگین نمرات متغیرهای مورد نظر را تسهیل کنند.

جدول شماره ۶. داده‌های تجربی توسعه اقتصادی برحسب کل دوره‌های انتخاباتی

متغیرهای توسعه اقتصادی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
تولید ناخالص ملی - میلیارد ریال	۴۲۵۷۷,۳۰	۴۰۰۲۴۰,۰۰	۲۲۵۱۲۷,۵۷۰۰	۹۵۵۲۷,۶۴۲۵۵
سهام بخش صنعت (معدن، صنعت، برق، آب، گاز و ساختمان) در تولید ناخالص ملی	۳۴۹,۹۰	۸۹۳۳۹,۰۰	۲۵۶۸۳,۹۴۵۰	۲۲۵۶۵,۲۱۷۴۹
میزان سرمایه‌گذاری در صنعت - میلیارد ریال	۲۲۷۲,۶۰	۳۱۹۸۰,۳۰	۱۴۹۵۶,۱۱۵۸	۷۲۸۶,۴۵۳۲۹
درآمد سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶، به هزار ریال	۱۶۴۱,			
در هر هزار نفر میزان نیروی کار صنعتی	۰۶	۱۹,۶۹	۱۰,۱۷۹۳	۷,۱۵۳۸۹
سهم سنت در GNP درصد	۸,۲۱	۳۲	۲۲,۱۴,۶۸۶۴	۴,۴۴۸۸۹
درصد سرمایه‌گذاری صنعتی	۱۷,۲۵	۳۴,۳۴	۲۳,۹۴۳۸	۵,۰۰۲۹۰
میزان شهرنشینی (در هر هزار نفر)	۲۷۰,۰۰	۶۶۷,۴۵	۴۱۲,۹۹۵۵	۱۳۲,۲۱۰۰۶

جدول شماره ۷. داده‌های تجربی توسعه آموزشی برحسب دوره‌های تاریخی

دوره	شاخص‌های آماری	میزان باسوادی در هر هزار نفر	قشرهای اجتماعی جدید در هر ۱۰۰۰ نفر
اول مشروطیت	میانگین	۱۱,۱۴۲۰	۸,۰۳۷۲
	انحراف استاندارد	۴۰,۰۷۲۲۶	۲,۸۶۰۴۴
	حداقل	۸,۲۶	۶,۰۱
	حداکثر	۱۴,۰۲	۱۰,۰۶
دوم مشروطیت	میانگین	۳۳,۵۷۱۱	۱۷,۳۶۶۵
	انحراف استاندارد	۱۵,۹۹۹۰۵	۴,۷۴۵۶۱
	حداقل	۱۹,۱۹	۱۰,۸۲
	حداکثر	۵۷,۹۸	۲۲,۷۶
سوم مشروطیت	میانگین	۵۰,۲۸۵۴	۳۱,۹۷۴۳
	انحراف استاندارد	۱۰,۴۱۰۸۵	۱۳,۲۵۳۳۲
	حداقل	۳۵,۹۲	۲۱,۱۴
	حداکثر	۶۴,۰۷	۵۲,۹۰
چهارم مشروطیت	میانگین	۲۵۲,۷۲۳۴	۱۱۶,۶۴۵۳
	انحراف استاندارد	۱۴۰,۳۹۶۳۶	۵۸,۹۶۵۳۴
	حداقل	۶۹,۵۸	۵۳,۳۹
	حداکثر	۴۵۰,۸۱	۲۱۵,۰۹
دوره اول جمهوری اسلامی	میانگین	۶۳۵,۰۰۹۸	۲۵۶,۲۲۴۴
	انحراف استاندارد	۱۰۱,۳۲۹۶۰	۴۰,۷۸۶۶۷
	حداقل	۵۰۷,۱۵	۲۲۱,۳۲
	حداکثر	۷۷۲,۸۶	۳۲۰,۷۲
دوره دوم جمهوری اسلامی	میانگین	۸۳۳,۶۸۶۹	۲۹۵,۲۹۹۷
	انحراف استاندارد	۱۷,۵۹۷۶۹	۲۴,۰۰۴۸۷
	حداقل	۸۱۸,۸۳	۲۶۴,۲۲
	حداکثر	۸۵۶,۵۲	۳۲۰,۲۷

شواهد نشان می‌دهد که میزان باسوادی (در هر هزار نفر) و میزان رشد قشرهای اجتماعی

جدید (در هر هزار نفر) در دوره اول و دوم مشروطیت در مقایسه با دیگر دوره‌ها حداقل است. در این دو دوره متوسط باسوادی برابر با $28/58$ (در هر هزار نفر) و متوسط قشرهای اجتماعی جدید معادل $15/29$ (در هر هزار نفر) است. بیشترین میزان باسوادی با $833,68$ (در هر هزار نفر) مربوط به دوره دوم انقلاب اسلامی می‌باشد. متوسط قشرهای اجتماعی جدید در این دوره برابر با $295,3$ (در هر هزار نفر) است. این میزان نسبت به همه دوره‌های تاریخی مورد نظر بیشتر است. دامنه تغییر قشرهای اجتماعی جدید بین $8,0372$ در دوره اول مشروطیت تا $295,2997$ در دوره دوم جمهوری اسلامی متغیر است. در دوره‌های مشروطیت بالاترین میزان قشرهای اجتماعی جدید با $116/6$ نفر در هزار مربوط به دوره چهارم و کمترین آن با $8,0372$ نفر در هزار مربوط به دوره‌های اول است. در دوره‌های مشروطیت بالاترین میزان باسوادی با $252,7234$ در دوره چهارم مشروطیت قرار دارد.

جدول شماره ۸. داده‌های تجربی توسعه آموزشی برحسب دوره‌های انتخاباتی

شاخص‌های آماری	میزان باسوادی در هر هزار نفر	قشرهای اجتماعی جدید در هر هزار نفر
میانگین	349,9344	142,0432
انحراف استاندارد	316,18897	117,98982
حداقل	8,26	6,01
حداکثر	852,52	320,72

در سطح کل واحدهای تحلیل، میزان قشرهای اجتماعی جدید در هر هزار نفر برابر با $142,0432$ میزان باسوادی در هر 1000 نفر معادل با $349,9344$ می‌باشد. متوسط شاخص آموزش در صد ساله اخیر ایران معادل $245/99$ نفر در هزار است.

جامعه مدنی

در این تحقیق احزاب معرف تجربی مفهوم جامعه مدنی است. آن را به صورت کمی اندازه‌گیری کرده‌ایم. داده‌های تجربی این مفهوم در جدول زیر ارائه شده است:

در تحلیل بین دوره‌های واحد تحلیل دوره‌های تاریخی بوده، متغیرها صفت دوره‌های تاریخی محسوب شده‌اند. در این جا میانگین عمر احزاب را در هر یک از واحدهای تحلیل به دست آورده وارد تحلیل کرده‌ایم. شواهد نشان می‌دهد که دوره اول مشروطیت در مقایسه با دیگر دوره‌های دارای حداکثر میانگین عمر احزاب است. در این دوره متوسط عمر احزاب برابر با $9/7$ سال است، یعنی کل احزابی که از دوره دوم تا دوره پنجم مجلس شورای ملی تأسیس شده‌اند به اندازه $7/9$ سال عمر داشته‌اند. این میزان در دوره سوم مشروطیت به $5/35$ و در دوره چهارم

جدول شماره ۹. داده‌های تجربی توسعه جامعه مدنی برحسب دوره‌های تاریخی

دوره‌ها	تعداد کل احزاب تأسیس شده در هر دوره	مجموع سال‌های عمر احزاب	میانگین عمر احزاب	انحراف استاندارد
دوره اول مشروطیت	۱۰	۷۹	۷/۹	۵/۴
دوره دوم مشروطیت	۰	۰	۰	۰
دوره سوم مشروطیت	۳۲	۱۷۱	۵/۳۵	۵/۱۵
دوره چهارم مشروطیت	۱۴	۹۷	۷/۴۶	۴/۸۴
دوره اول جمهوری اسلامی *	۲۶	۳۰۷	۱۱/۸	۴/۸
دوره دوم جمهوری اسلامی	۵۰	۱۵۰	۳	۱/۷

مشروطیت به ۷/۴۶ سال تغییر پیدا کرده است. عمر احزاب در دوره اول جمهوری اسلامی برابر ۱۱/۸ است.

جدول شماره ۱۰. داده‌های تجربی توسعه جامعه مدنی برحسب دوره‌های انتخاباتی

تعداد و عمر احزاب	بدون احتساب دوره دوم جمهوری اسلامی	کل دوره‌ها
تعداد	۸۲	۱۳۲
میانگین عمر	۸,۴۸۷۸	۶,۴۰۹۱
انحراف استاندارد	۶,۷۴۸۱۰	۶,۰۳۰۴۰

در صد ساله اخیر ایران ۱۳۲ مورد حزب و تشکل سیاسی تأسیس شده است. متوسط عمر احزاب کل دوره‌ها معادل ۶/۴ و متوسط عمر احزاب با کنترل دوره دوم انقلاب اسلامی ۸/۴۹ است.

* در شمارش احزاب دوره‌های اول و دوم جمهوری اسلامی علاوه بر احزاب تشکل‌هایی مثل جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، مجمع روحانیون مبارز، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، جامعه زینب، مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی و... محاسبه شده است.

آزمون تجربی فرضیات

داوری درباب فرضیه اول

براساس چارچوب نظری این مقاله، میزان تغییرات دموکراتیزاسیون با میزان تغییرات مدرنیزاسیون همراه است؛ اگر میزان مدرنیزاسیون افزایش یابد، میزان دموکراتیزاسیون نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۱۱. رگرسیون دموکراتیزاسیون بر مدرنیزاسیون

ضرایب	مدرنیزاسیون		
	رقابت انتخاباتی	مشارکت انتخاباتی	دموکراتیزاسیون
R	۰/۵۴	۰/۶۴	۰/۷۲
R ²	۰/۳۰	۰/۴۱	۰/۵۲
F	۱۲/۵	۲۱/۸	۳۴/۵۷
sig	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
Constant	۲۵/۳۳	۴۹/۵۹	۳۷/۴۶
b	۹/۵۲	۹/۶۰	۹/۶۰

ضریب همبستگی رقابت انتخاباتی با مدرنیزاسیون معادل ۰/۵۴ و ضریب تعیین آن برابر با ۰/۳۰ است. شواهد دلالت بر آن دارد که مدرنیزاسیون به اندازه ۳۰ درصد از تغییرات رقابت انتخاباتی را تبیین می‌کند. نسبت F معنادار بودن این رابطه را تأیید می‌کند. ضریب همبستگی مشارکت انتخاباتی با مدرنیزاسیون معادل ۰/۶۴ است. مدرنیزاسیون به اندازه ۴۱ درصد از تغییرات مشارکت انتخاباتی را تبیین کرده است.

یافته‌های آزمون تجربی نشان می‌دهد که ضریب همبستگی دموکراتیزاسیون با مدرنیزاسیون برابر با ۰/۷۲ درصد و ضریب تعیین آن معادل ۰/۵۲ درصد است. بدین معنا که نسبتی از واریانس متغیر دموکراتیزاسیون که توسط متغیر مدرنیزاسیون تبیین شده است به اندازه ۵۲ درصد و واریانس باقی‌مانده ۴۷ درصد است. نسبت F معنادار بودن این رابطه را تأیید می‌کند.

براساس یافته‌های تجربی موجود در تابع رگرسیون (مدرنیزاسیون) $Y = 37/5 + 9/60$ ، می‌توان داوری کرد که اگر تأثیر مدرنیزاسیون را بر روی دموکراتیزاسیون ثابت نگه‌داریم، ارزش^۱ دموکراتیزاسیون در ایران برابر ۳۷/۵ است. به ازای هر واحد تغییر یا افزایش در متغیر مدرنیزاسیون ۹/۷۴ واحد تغییر^۲ در دموکراتیزاسیون قابل تخمین^۳ است.

1. value

2. Change

3. Estimated

نتیجه آزمون تجربی

یافته‌های آزمون تجربی دلالت بر آن دارد که در ایران بین مدرنیزاسیون و میزان دموکراتیزاسیون به اندازه ۷۲ درصد هم تغییری منظم^۱ وجود دارد. این گزاره مشاهده‌ای با گزاره تئوریک زیر سازگار می‌باشد:

«میزان تغییرات دموکراتیزاسیون با میزان تغییرات مدرنیزاسیون همراه است؛ اگر میزان مدرنیزاسیون افزایش یابد، میزان دموکراتیزاسیون نیز افزایش می‌یابد». بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود.

داوری در باب فرضیه دوم

میزان تغییرات دموکراتیزاسیون با میزان تغییرات توسعه جامعه مدنی همراه است؛ به گونه‌ای که هرچه میزان توسعه جامعه مدنی بیشتر باشد میزان دموکراتیزاسیون نیز بیشتر می‌شود.

جدول شماره ۱۲. رگرسیون دموکراتیزاسیون بر میزان توسعه جامعه مدنی

ضرایب	توسعه جامعه مدنی		
	رقابت انتخاباتی	مشارکت انتخاباتی	دموکراتیزاسیون
R	۰/۳۳	۰/۳۷	۰/۵۲
R ²	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۲۶
F	۳/۹۵	۵/۰۸	۱۱/۳۸
sig	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۰۲
Constant	۳۱/۰۳۹	۴۷/۵۰۵	۳۹/۲۷۲
b	۵/۹۰۳	۶/۶۲۶	۶/۲۶۵

ضریب همبستگی رقابت انتخاباتی با متغیر میزان توسعه جامعه مدنی برابر با ۳۳ درصد و ضریب تعیین آن معادل ۱۱ درصد است. میزان همبستگی مشارکت انتخاباتی با متغیر میزان توسعه جامعه مدنی نیز برابر با ۳۷ درصد و مجذور آن معادل ۱۴ درصد است. بدین معنا که نسبتی از واریانس متغیر دموکراتیزاسیون که توسط متغیر میزان توسعه جامعه مدنی تبیین شده است به اندازه ۱۴ درصد است.

1. Regularitive covariation

ضریب همبستگی دموکراتیزاسیون با میزان توسعه جامعه مدنی ۵۲ درصد و ضریب تعیین آن برابر ۲۶ درصد است. بر مبنای این یافته می‌توان دآوری کرد که ۲۶ درصد از تغییرات متغیر دموکراتیزاسیون از طریق میزان توسعه جامعه مدنی تبیین شده است. نسبت F این گزاره مشاهده‌ای را تأیید می‌کند.

بر اساس یافته‌های تجربی موجود (میزان توسعه جامعه مدنی) $Y = 39/39 + 6/3$ ، (دموکراتیزاسیون) اگر تغییرات میزان توسعه جامعه مدنی را صفر در نظر بگیریم، پایه دموکراتیزاسیون به ترتیب برابر $39/3$ می‌باشد. به ازای هر واحد افزایش در متغیر توسعه جامعه مدنی $6/3$ واحد در دموکراتیزاسیون قابل تخمین است.

این گزاره مطرح شده مشاهده‌ای با گزاره تئوریک سازگار می‌باشد. بنابراین فرضیه «میزان تغییرات دموکراتیزاسیون با میزان تغییرات توسعه جامعه مدنی همراه است؛ به گونه‌ای که، هرچه میزان توسعه جامعه مدنی بیشتر باشد میزان دموکراتیزاسیون نیز بیشتر می‌شود» تأیید می‌گردد.

داوری در باب فرضیه سوم

مدرنیزاسیون تحت شرایط وجود جامعه مدنی، توسعه با دموکراتیزاسیون هم تغییری دارد؛ به گونه‌ای که، هرگاه مدرنیزاسیون با جامعه مدنی توسعه یافته همراه باشد میزان دموکراتیزاسیون نیز بیشتر می‌شود.

جدول شماره ۱۳. رگرسیون دموکراتیزاسیون بر میزان توسعه جامعه مدنی و مدرنیزاسیون

model	R	R ²	Sig.	Constant	Regcoefficients			
					b ₁	b ₂	Beta1	Beta2
1	/۷۱	/۵۱	/۰۰۰	37.398	2.87	7.87	.237	0558

Model 1 - Predictors dependent Variable شاخص مدنی و شاخص مدرنیزاسیون

در این جا متغیرهای توسعه جامعه مدنی و مدرنیزاسیون را به‌طور همزمان وارد تحلیل کرده، رابطه این دو متغیر را با دموکراتیزاسیون مورد بررسی تجربی قرار می‌دهیم. شواهد نشان می‌دهند که ضریب همبستگی دموکراتیزاسیون با ترکیب خطی متغیرهای توسعه جامعه مدنی و مدرنیزاسیون به اندازه $0/71$ است. بر اساس معادله (مدرنیزاسیون) $+7/9$ (میزان توسعه جامعه مدنی) $Y = 37/39 + 2/9$ به

ازای هر واحد افزایش در متغیرهای توسعه جامعه مدنی و مدرنیزاسیون به ترتیب ۲/۹ و ۷/۹ واحد تغییر مثبت در دموکراتیزاسیون قابل تخمین است.

یافته‌های تابع رگرسیون استاندارد (مدرنیزاسیون) $+0.56$ (میزان توسعه جامعه مدنی) $Y = 0.24$ ، نشان می‌دهد که سهم مدرنیزاسیون در تبیین متغیر دموکراتیزاسیون ۳۲٪ واحد بیشتر از توسعه جامعه مدنی است.

این گزاره مشاهده‌ای با گزاره تئوریک سازگار می‌باشد. بنابراین فرضیه «مدرنیزاسیون تحت شرایط وجود جامعه مدنی توسعه با دموکراتیزاسیون هم تغییری دارد؛ به گونه‌ای که، هرگاه مدرنیزاسیون با جامعه مدنی توسعه یافته همراه باشد میزان دموکراتیزاسیون نیز بیشتر می‌شود» تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا مسئله تحقیق مطرح آن‌گاه راه‌حل نظری آن مسئله از نظریه مناسب‌تر استنتاج گردید. در ادامه راه‌حل نظری ارائه شده از طریق تجربه در پرتو استدلال نقادانه مورد داوری قرار گرفت. شواهد تجربی دلالت بر تأیید دستگاه نظری این تحقیق دارد. در این جا باید دید نتایج تحلیل تجربی تا چه حد با سایر نظریه‌های دموکراتیزاسیون سازگاری یا تناقض دارد.

در برخی از نظریه‌ها، مدرنیزاسیون شرط لازم و کافی دموکراتیزاسیون است؛ مثل، نظریه لیپست. در برخی دیگر توسعه اقتصادی (مدرنیزاسیون) از طریق تغییر در ساختار اجتماعی دموکراتیزاسیون را ممکن می‌سازند؛ مانند، نظریه هانتینگتون و گرام گیل.

یافته‌های این تحقیق نظریه لیپست را در باب رابطه مثبت میان مدرنیزاسیون و دموکراتیزاسیون تأیید می‌کند. با این تفاوت که در نظریه مطرح شده در این تحقیق مدرنیزاسیون شرط لازم برای دموکراتیزاسیون است.

واقعیت ایران صدق مدرنیزاسیون را به عنوان شرط لازم برای دموکراتیزاسیون تأیید، اما به عنوان شرط کافی برای وقوع واقعه دموکراتیزاسیون آن را تأیید نمی‌کند.

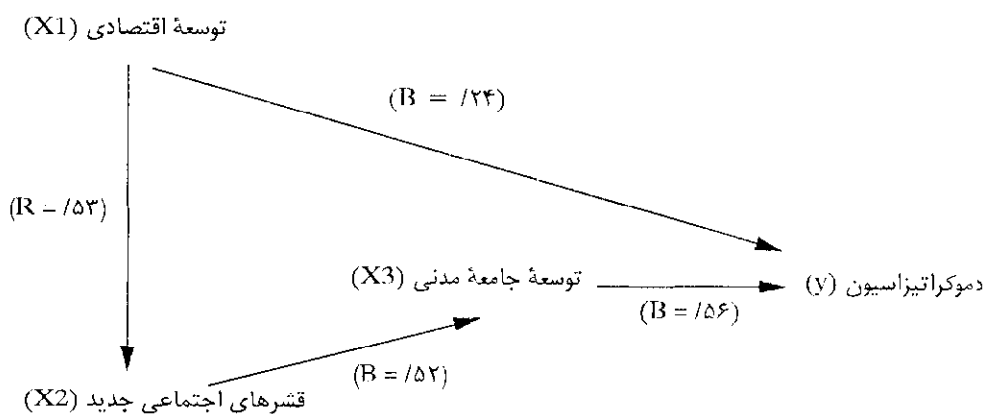
گواه این مدعا

در شانزده مورد مشاهده (پارلمان ۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۶-۱۸-۱۹-۲۰-۲۲-۲۳ دوره مشروطیت و دوره ۲-۴-۵ ریاست جمهوری) مدرنیزاسیون وجود داشته است، با وجود

این کاهش میزان دموکراتیزاسیون رخ داده است. به استناد این گزاره‌های تجربی، نظریه لیپست در مورد ایران قدرت تبیینی بالایی ندارد.

در نظریه هانتینگتون، توسعه اقتصادی (مدرنیزاسیون) از طریق تغییر در ساختار اجتماعی (قشرهای اجتماعی جدید) و در نظریه گرام گیل مدرنیزاسیون از طریق ظهور جامعه مدنی با دموکراتیزاسیون رابطه مثبت دارد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که توسعه اقتصادی با قشرهای اجتماعی جدید و قشرهای اجتماعی جدید نیز با شاخص توسعه جامعه مدنی (در این جا احزاب) و توسعه جامعه مدنی با دموکراتیزاسیون همبستگی مثبت دارد. بنابراین شواهد تجربی این بخش از تحقیق با تئوری هانتینگتون و گرام گیل سازگار است. شواهد این مدعا در مدل تجربی زیر ارائه شده است:



مدل شماره ۲. تحلیل مسیر

در جمع‌بندی این داوری‌ها باید گفت هر کدام از این تئوری‌ها بخشی از واقعیت را توضیح می‌دهند. با این حال چارچوب نظری این تحقیق تبیین کامل‌تری ارائه داده است. یافته‌های تجربی این پژوهش، دلالت بر این ادعا دارند.

پیامد کاربردی تحقیق

براساس یافته‌های این تحقیق، متغیرهای افزایش شهری شدن، تولید ناخالص ملی، افزایش میزان باسوادی، ظهور و گسترش قشرهای اجتماعی جدید وزن بیشتری را در تبیین دموکراتیزاسیون داشته‌اند. این متغیرها از عوامل ساختاری محسوب می‌شوند. اقتضای ساختارها تغییر آن‌ها در فرایندهای طولانی تاریخی است. اگر تغییرات مثبت در این

عوامل ساختاری تداوم پیدا کند، زمینه‌های ساختاری مناسب برای تحقق مرحله سوم دموکراتیزاسیون، یعنی تحکیم دموکراتیک، تقویت خواهد شد.

اما شواهد نشان می‌دهد که صرف تحقق چنین زمینه‌هایی کفایت نمی‌کند، در عمل تحکیم دموکراتیک نیازمند جامعه مدنی نهادینه شده نیز می‌باشد. جامعه مدنی عنصر ساختاری مهم در تحکیم دموکراتیک است. در واقع نظام سیاسی دموکراتیک نیازمند جامعه مدنی قوی می‌باشد. واقعیت ایران نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی از طریق همبستگی با توسعه آموزشی و توسعه آموزشی از طریق همبستگی با توسعه جامعه مدنی بر روی دموکراتیزاسیون اثر مثبت دارد. حال اگر توسعه اقتصادی تداوم داشته باشد، این توسعه می‌تواند منجر به تغییر در ساختار اجتماعی گردد و طی آن قشرهای اجتماعی جدید را در عرصه سیاست توانا سازد. این نیروهای اجتماعی جدید می‌توانند از راه تشکیل نهادهای مدنی نظیر احزاب، انجمن‌ها، شوراهای اتحادیه‌ها (NGOs) انتظارات و منافع خود را تعقیب کرده، بر فرایندهای توسعه سیاسی اعمال نفوذ کنند. هر چه جامعه مدنی از ساختارهای توسعه یافته تری برخوردار باشد، توانایی نیروهای جامعه مدنی در تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی (فشار بر رژیم اقتدارگرا) تشدید می‌گردد. در چنین شرایطی تحکیم دموکراتیک آسان تر می‌شود.

سخن آخر

تحکیم دموکراتیک زمانی رخ می‌دهد که، علاوه بر زمینه‌های ساختاری پیش‌گفته، رهبران سیاسی از قواعد بازی دموکراتیک تبعیت کنند. مردم بیاموزند که دموکراسی روشی برای دفع استبداد بدون خشونت و خون‌ریزی است.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۹) *ایران بین دو انقلاب: از مشروطیت تا انقلاب اسلامی*، مترجم، کاظم فیروزمند و همکاران، نشر مرکز، چاپ سوم.
- آمار آموزش عالی ایران در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی (۲۵۳۵)، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی.
- آمار آموزش و پرورش ایران (۱۳۴۳)، انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- آموزش و پرورش ایران (۱۳۴۴)، انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- آمار آموزش و پرورش ایران (۱۳۴۶)، انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- آمار آموزش و پرورش ایران (۱۳۴۸)، انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- آمار آموزش عالی (۱۳۵۴)، ج، دوم، سال تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی.

- آمار آموزش عالی ج. دوم، سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶. مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی. آمار آموزش عالی (۱۳۷۰) سال تحصیلی ۶۹-۱۳۷۰، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. آمار آموزش و پرورش (۱۳۷۳) سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۳، دفتر طرح و برنامه، چاپ اول، انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- آمار آموزش عالی (۱۳۷۵)، مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵.
- آمار عملکرد ۲۰ ساله آموزش عالی ایران (۱۳۷۷)، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- آمار آموزش عالی ایران (۱۳۸۲)، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۲. آمار آموزش عالی ایران (۱۳۸۳)، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۳. آمار آموزش و پرورش (۱۳۸۳) سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۳، دفتر طرح و برنامه، چاپ اول، انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- آمار آموزش و پرورش ایران (۱۳۸۲)، انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- آمار آموزش و پرورش (۱۳۸۳) سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۳، دفتر طرح و برنامه، چاپ اول، انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت* (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی) چاپ اول.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۵)، *مجلس و انتخابات* (از مشروطه تا پایان قاجاریه)، چاپ اول، شرکت سهامی خاص.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۱)، *احزاب سیاسی در مجلس سوم*. چاپ اول، انتشارات نشر تاریخ ایران.
- اسناد دوره اول تا دوره بیست و چهارم انتخابات (از مشروطیت دوره تا آخرین انتخابات دوره محمدرضا شاه). این اسناد در کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی موجود می‌باشد.
- اسناد رسمی وزارت کشور در خصوص کل انتخابات بعد از انقلاب اسلامی.
- احصایه مدارس و مکاتب ۱۳۰۵، وزارت معارف و اوقات و صنایع مستظرفه، اداره کل انطباعات.
- احصایه معارف و مدارس ۱۳۰۷-۱۳۰۸، وزارت معارف و اوقات و صنایع مستظرفه.
- احصایه معارف و مدارس ۱۳۰۸-۱۳۰۹، وزارت معارف و اوقات و صنایع مستظرفه.
- احصایه معارف و مدارس ۱۳۰۹-۱۳۱۰، وزارت معارف و اوقات و صنایع مستظرفه.
- باری یر، ج. (۱۳۶۳) *اقتصاد ایران*. مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، چاپ اول.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی (۱۳۸۱) *آمار حساب‌های ملی ایران* جلد دوم.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، چاپ اول، انتشارات گام نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، *گذار به دموکراسی*، چاپ اول، انتشارات نگاه معاصر.
- بهار، ملک الشعراء (۱۳۶۳)، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر.
- بهار، ملک الشعراء (۱۳۸۰)، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، جلد اول، انتشارات امیرکبیر.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، چاپ اول، انتشارات نشر نی.
- روستایی ایران تا سال ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران و سازمان برنامه و بودجه.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷)، *اقتصاد ایران*، نشر نی، چاپ اول.
- خلیلی‌خو، محمدرضا (۱۳۷۳)، *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه*، چاپ اول، انتشارات جهاد

دانشگاهی دانشگاه بهشتی.

- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷)، *اقتصاد ایران*، نشر نی، چاپ اول.
- ساعی، علی (۱۳۸۴) «تحلیل جامعه‌شناختی فرایند مردم‌سالاری (دموکراتیزاسیون) در ایران»، *پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی سیاسی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- سالنامه احصایه ۱۳۰۴*، وزارت معارف و اوقات و صنایع مستظرفه.
- سالنامه و آمار ۱۳۱۱-۱۳۱۲*، وزارت معارف و اوقات و صنایع مستظرفه.
- سالنامه و آمار ۱۳۱۲-۱۳۱۳*، *۱۳۱۳-۱۳۱۴*، *۱۳۱۴-۱۳۱۵* و *۱۳۱۵-۱۳۱۶*، وزارت معارف و اوقات و صنایع مستظرفه.
- سالنامه و آمار ۱۳۱۶-۱۳۱۷* و *۱۳۱۶-۱۳۱۷*، وزارت فرهنگ، اداره نگارش - دایره آمار.
- سالنامه و آمار ۱۳۱۷-۱۳۱۸* و *۱۳۱۸-۱۳۱۹*، وزارت فرهنگ، اداره نگارش - دایره آمار.
- سالنامه و آمار ۱۳۱۹-۱۳۲۰* و *۱۳۲۰-۱۳۲۱* و *۱۳۲۱-۱۳۲۲*، وزارت فرهنگ، اداره نگارش - دایره آمار.
- سالنامه و آمار ۱۳۲۲-۱۳۲۳* و *۱۳۲۳-۱۳۲۴* و *۱۳۲۴-۱۳۲۵* و *۱۳۲۵-۱۳۲۶* و *۱۳۲۶-۱۳۲۷*، وزارت فرهنگ.
- سالنامه‌های آماری ۱۳۴۵*، *۱۳۵۶*، *۱۳۵۸*، *۱۳۶۲*، *۱۳۶۵*، *۱۳۷۰*، *۱۳۷۱*، *۱۳۷۳*، *۱۳۷۲*، *۱۳۷۵*، *۱۳۷۸*، *۱۳۸۰*، *۱۳۸۱*، *۱۳۸۲*.
- صارمی شهاب (۱۳۷۸)، *احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران*، چاپ اول، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- طیرانی، بهروز (۱۳۷۶)، *اسناد سیاسی ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۳۰ ش)*، جلد اول و دوم، چاپ اول، سازمان اسناد ملی ایران.
- مدیر شانچی، محسن (۱۳۷۵)، *احزاب سیاسی ایران*، چ اول، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۰)*، ایران در آینه آمار.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷)*، گزیده آماری، شماره ۳۹.
- مشخصات احزاب و تشکل‌های سیاسی (۱۳۸۳)*، وزارت کشور، اداره کل سیاسی وزارت کشور.
- مقتسودی، مجتبی (۱۳۸۰)، *تحولات سیاسی اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)*، چ اول، انتشارات روزنه.
- ناظری-محمد رضا (۱۳۸۲)، *شناسنامه احزاب سیاسی ایران*، چاپ اول، انتشارات پارسایان.
- نوذری، عزت‌الله (۱۳۸۰)، *تاریخ احزاب سیاسی در ایران*، انتشارات نوید شیراز.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)، *موج سوم دموکراسی*، مترجم، احمد شهباس، چاپ دوم، انتشارات روزنه.

Diamond, L. and Morlino (2004), *The Quality of Democracy*, Stanford University available at <http://Stanford.edu>.

Diamond Larry (2003), *Universal Democracy?* available at <http://www.policyreview.org/jun03/diamond.html>.

Diamond, Larry (1999), *Developing Democracy: Toward Consolidation* (Johns Hopkins University Press).

Greame, Gill (2000), *The Dynamics of Democratization*, New York.

Haynes, Jeff, (2004), *Democracy in the developing world*, Polity Press.

- Jan-erik lane and Svate Ersson (2003), *Democracy: A Comparative Approach*, Routledge.
- Lipset, Seymour Martin; (1994) *The social requisities of democracy revisited*, in *American Sociological Review*, Albany; Feb. Vol. 59.
- Poper, Karl (1999), *All life is problem solving*, Routledge.
- Pother, D. and Other (1997), *Democratization*, the University Walton hall Milton Keynes, USA.
- Pridham, Geoffrey (2000), *The Dynamics of Democratization*, Continuum; London and New York.
- Rosemary H. T. O'Kane (2004), *Paths to Democracy; Revolution and Totalitarianism*. Routledge.
- Vanhanen, Tatu (1992), *Strategies of Democratization*, Crane Russak, a member of the Tylor and Francis, Group.
- Vanhanen, Tatu (2003), *Democratization: A Comparative Analysis of 170 Countries*, Routledge.

محمد عبدالهی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی است. از او کتاب‌هایی با عناوین *مطالعه تطبیقی انقلاب‌ها، نظام‌های بهره‌برداری: مطالعه تطبیقی و نظام بهره‌برداری در ایران* و مقالات عدیده‌ای در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسی علم، هویت و نهادهای مدنی به چاپ رسیده است. علایق پژوهشی او بیشتر مربوط به دیدگاه‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی، روش‌شناسی، روش‌های تحقیق و امور فرهنگی و اجتماعی است.

علی ساعی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس است. از او کتابی با عنوان *تحلیل آماری در علوم اجتماعی: درآمدی بر روش تحقیق و مقالاتی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی* به چاپ رسیده است. علایق او بیشتر مربوط به روش‌شناسی و روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی است.